

گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۹۸ / سال بیست و یکم / شماره ۱۹۰۴ / ۸ / صفحه ۱۰۰۰ / تومان

۲



تهدات احداث دوربر گردان های
مصوب نیاز به تسریع دارد



۳



مبلان شهری گرگان
پرخرج اما ناایمن



۴-۵



نهیض مشروطه خواهی در استرآباد
خواب و خیالی بیش نبوده است



سال رونق تولید

مرجان کار



تولید کننده

بلوک سقفی و تیغه دیواری

www.marjankar.ir

در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور

تلفن کارخانه گرگان: ۰۱۷-۳۳۱۶۴۵۲۷-۰۱۷

دفتر فروش گرگان: ۰۱۷-۳۳۲۲۳۶۴۲-۰۱۷

یادداشت اول

جوانان و نقش غیر قابل انکار آنان در توسعه

بامسؤولیت سردبیر

اگر تا امروز در خطابه ها و پای منبرها جوانان راستون فقرات جامعه، ذخیره های آینده ی جامعه، گردانندگان چرخ های اقتصاد، نیروهای فعال و گنجینه های ملی، سرمایه های اجتماعی و موتور حرکت جامعه به سوی توسعه می خواندند امروز اما بپذیریم به راستی وقت شعار گذشته است. امروز شرط اولیه ی رسیدن به توسعه حضور موثر و فعال همه ی افراد جامعه است. جوانان با تعهد و تخصص و پویایی و خلاقیت که جزو سرشت جوانی است نقش چشمگیر و قابل توجهی در سرنوشت امروز دارند همچنان که امید فردای جامعه نیز هستند. ایران امروز باید به دست توانمند جوانان ساخته و توسعه پایدار به همت و تدبیر اینان محقق شود. هنگامی که جوانان درگیر مسایل جامعه باشند به خصوص وقتی که فرصت و امکان توسعه برایشان فراهم شود منافع چندگانه ای برای جامعه به وجود می آید. دولتمردان و فرهیختگان جامعه باید به ایجاد فرصت برای اثرگذاری و رهبری جوانان در مسایل اجتماعی به طور جدی بیندیشند و برای به بازی گرفتن این خیل عظیم تلاش کنند. بدون شک توجه به این مهم از سوی دولتمردان و مشارکت جوانان در مناقشات ملی و بین المللی نشان از تدبیر و دوراندیشی است. عدم بهره گیری از ظرفیت ها، استعدادها و توانایی های هزاران جوان تحصیل کرده که هرساله از دانشگاه ها فارغ از تحصیل می شوند علاوه بر نومییدی و سرخوردگی جوان و آسیب های متعدد اجتماعی روند توسعه را نیز چنان که عیان است با مشکل روبرو کرده است. مسوولین باید با شناسایی توانمندی ها و پتانسیل های پنهان نخبگان جوان در دانشگاه ها و مراکز علمی به عملیاتی کردن این ظرفیت ها و بهره مندی از آن به صورت جدی اهتمام کنند. شرایط و بحران های اقتصادی و عدم توفیق در دستیابی به رفاه عمومی و شنیده شدن صدای اعتراض ها و نارضایتی ها نشان ازین است که در سالیان گذشته به هر دلیل نتوانسته ایم به آنچه باید دست یابیم و این زنگ هشدار است برای مسوولان و حاکمیت که به دور از لجاجت و پافشاری بر تفکراتشان که حالا به هر دلیل جواب نداده است دست از شعار بردارند و با دخالت دادن و بهره بردن از ظرفیت جوانان نخبه و آگاه دست در دست هم در فضایی آزاد و با آگاهی به سمت توسعه ی پایدار حرکت کنیم.



ایران برای همه ایرانیان
«۸»



چهره
کلنل علینقی خان وزیری
«۷»



فراهم شدن شرایط واگذاری
زمین در شهرک های صنعتی گرگان
«۷»

استاندار گلستان:

ورزش بانوان مظلوم است

«۲»



موتورسیکلت

پای ثابت مرگ و میر

جاده های گلستان

«۸»

دبیر جشنواره عکس زعفران گفت: به مناسبت برداشت زعفران در روستای وامنان آزادشهر، نخستین جشنواره عکس زعفران استان گلستان برگزار می شود. محمدرضا کیوانفر در خصوص جشنواره عکاسی زعفران آزادشهر اظهار کرد: ستاد برگزاری جشنواره زعفران وامنان آزادشهر با همکاری کانون عکس حوزه هنری گلستان، با محوریت شعار سال مبنی بر رونق و تولید؛ به مناسبت جشن برداشت زعفران در این روستا برگزار می کند. دبیر جشنواره عکاسی افزود: هدف از برگزاری این جشنواره معرفی و آشنایی بیشتر هنرمندان با این محصول استراتژیک در منطقه و ثبت بهترین تصاویر از طلای سرخ گلستان، برگزاری تور عکاسی و نمایشگاه عکس هنرمندان عکاس است. وی در خصوص تعداد شرکت کنندگان گفت: ظرفیت اولیه ۳۰ عکاس هست و تقریباً تکمیل است اما با توجه به احتمال

انصراف بعضی از عکاسان همچنان ثبت نام انجام می شود، زمان برگزاری تور ۳ آبان است که احتمالاً در این زمان برداشت بیشتری از گل زعفران صورت می گیرد. کیوانفر ادامه داد: این جشنواره در یک بخش برگزار خواهد شد و همه هنرمندان می توانند آثار خود را به صورت تک عکس در هر مرحله از فرآیندهای عمل آوری، فرآوری و مصرف زعفران را ثبت و به دبیرخانه ارائه دهند؛ همچنین هر هنرمند مجاز به ارسال ۱۰ تک عکس است. وی ادامه داد: هنرمندان می توانند تا ۱۰ آبان عکس های خود را ارسال کنند، تعداد ۴۰ اثر از میان کلیه آثار رسیده به دبیرخانه، به مرحله نمایشگاه راه خواهند یافت و در روز اختتامیه جشنواره و سپس در گالری حوزه هنری استان گلستان به نمایش در خواهند آمد. کیوانفر همچنین بیان کرد: جوایز نفرات اول تا سوم به ترتیب دو میلیون تومان، یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و یک میلیون تومان است.

نخستین جشنواره عکس
زعفران برگزار می شود

www.golshanemehr.ir



تعهدات احداث دوربرگردان های مصوب نیاز به تسریع دارد



مدیر کل راه و شهرسازی گلستان در بازدید از روند اجرایی احداث دور برگردان های دارای مصوبه در استان خواستار تسریع در اجرا و بهره برداری از آن شد. به گزارش روابط عمومی، حسین محبوبی گفت: بنا بر مصوبات صورت گرفته ۲۰ دوربرگردان استان در دست تعریض و احداث می باشد که از این تعداد احداث ۱۰ دوربرگردان در تعهدات شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل کشور و ۱۰ عدد در تعهد سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور می باشد. این مقام مسئول افزود: بایستی برای های بعمل آمده توسط مسئولین بلند پایه استانی خصوصاً استاندار و مجموعه مدیران وزارت راه و شهرسازی دوربرگردان باران با پیشرفت فیزیکی ۸۵ درصد تا نیمه اول آبان ماه سال جاری به بهره برداری خواهد رسید و دوربرگردان لردگاز با پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصد در دست اجرا می باشد و در خصوص ۸ دستگاه دور برگردان باقی مانده شرکت ساخت و توسعه قرارداد با پیمانکار منعقد و عملیات اجرای دو دستگاه ظرفین شرقی و غربی شهر کردکوی آغاز شده است. رییس شورای هماهنگی امور راه و شهرسازی گلستان در خصوص تعهدات سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای در استان بیان داشت: دوربرگردان و رسن در محور گرگان - کردکوی به اتمام و به بهره برداری رسیده و ۵ دستگاه دوربرگردان مطالعات آن تمام شده و برای مناقصه و انتخاب پیمانکار آماده است و ۴ عدد باقی مانده دوربرگردانها در حال مطالعه می باشد.

»»

عمده ظرفیت صادراتی گلستان در بخش کشاورزی است

نائب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: عمده ظرفیت گلستان در صادرات مربوط به بخش کشاورزی و محصولات فراوری شده مربوط به این بخش است. امیر یوسفی اظهار کرد: لبنیات، رب گوجه فرنگی، مرغ، مرکبات، برخی محصولات پتروشیمی و سیمان بیشترین محصولات صادراتی از گلستان هستند. وی بیان کرد: با اشاره به اینکه بیشترین صادرات گلستان به کشور عراق صورت می گیرد، خاطر نشان کرد: افغانستان، قزاقستان، ترکمنستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس از دیگر بازارهای هدف صادراتی ما هستند. نائب رئیس اتاق بازرگانی گرگان در ادامه با اشاره به اینکه امسال صادرات استان افزایش نداشته، تصریح کرد: مشکلات صادرکنندگان در برگشت ارز و نداشتن صرفه اقتصادی صادرات برخی از کالاها با توجه به قیمت تمام شده آن در داخل از مواردی هستند که صادرات استان را با کاهش روبه رو کرده است. یوسفی بیان کرد: به دنبال این هستیم تا با به کارگیری ظرفیت های داخل استان، هر چه سریع تر ضمن جلوگیری از روند کاهشی صادرات استان، افزایش صادرات را داشته باشیم.

برگزاری ۱۵ دوره آموزشی برای فعالان صنایع دستی گلستان

معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی گلستان گفت: ۱۵ دوره آموزشی کوتاه مدت برای فعالان صنایع دستی گلستان در ۶ ماهه نخست سال جاری برگزار شد. به گزارش روابط عمومی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان، مریم حاجی ابراهیمی اظهار کرد: در ۶ ماه نخست سال جاری ۱۵ دوره آموزشی کوتاه مدت برای فعالان صنایع دستی استان برگزار شد. وی افزود: بازاریابی هنر و صنایع دستی، بازاریابی و صادرات با رویکرد صنایع دستی، رنگرزی سنتی و طراحی محصول (برای گروه نساجی سنتی و رودزی های سنتی) از جمله عنوان های این دوره های آموزشی بوده است. معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی گلستان افزود: دوره های آموزشی شاغلان صنایع دستی در رده های عمومی و تخصصی و با هدف پایدار کردن اشتغال موجود در حوزه صنایع دستی و

ارتقاء سطح دانش، مهارت شاغلان صنایع دستی استان، برای کلیه فعالین در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی از جمله صنعتگران، هنرمندان، صادرکنندگان، تولید کنندگان برگزار شد. حاجی ابراهیمی با اشاره به اهمیت برگزاری دوره های آموزشی برای شاغلان صنایع دستی خاطرنشان کرد: پیشرفت علمی و مهارتی شاغلین در حرفه مورد تصدی، زمینه سازی جهت انتقال تجارب نوین در حوزه صنایع دستی، توسعه و بهینه سازی فرایندها و بهبود روش های تولیدی شاغلان صنایع دستی به منظور بالا بردن سطح رضایت عموم از کیفیت محصولات صنایع دستی از جمله کارکرد های این دوره های آموزشی برای هنرمندان است. معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی استان گلستان یادآور شد: برای ۶ ماهه دوم سال ۹۸ حدود ۱۰ دوره آموزشی کوتاه مدت برای شاغلین صنایع دستی استان برنامه ریزی شده است.

ورزش بانوان مظلوم است



هیئت های ورزشی استان را هم پیگیری خواهیم کرد. استاندار گلستان با اشاره به برگزاری تورنمنت های بین المللی ورزشی در استان گفت: در دو سال اخیر رقابت های بین المللی زیادی به میزبانی گلستان برگزار شده و تلاش خواهیم کرد مسابقات بین المللی بیشتری در گلستان برگزار کنیم و امیدواریم این اتفاق رخ دهد. حق شناس در پایان با بیان اینکه ایران در حال حاضر دو میلیون بشکه نفت کمتر می فروشد، خاطرنشان کرد: این اتفاق موجب شده روزی هزار میلیارد تومان درآمد از دست بدهیم در حالی که بودجه سالانه استان گلستان هزار میلیارد تومان است. وی یادآور شد: کشور در تنگنای مالی شدید اداره می شود و باید تلاش کنیم این خشکسالی مالی را مدیریت کنیم.

بر ارزش افزوده که به ورزش اختصاص دارد اگر درست هزینه شود جهشی اساسی در ورزش کشور ایجاد خواهد کرد. وی اضافه کرد: احداث چمن مصنوعی در تمام شهرستان های گلستان را در دستور کار قرار می دهیم و ایجاد مکانی برای

استاندار گلستان گفت: ورزش بانوان در تمام کشور مظلوم است زیرا محدودیت های زیادی به دلایل مختلف وجود دارد. هادی حق شناس در دیدار صمیمی با جامعه ورزش گلستان به مناسبت هفته تربیت بدنی و ورزش، اظهار کرد: ورزش در تمام ابعاد زندگی اثرگذار است، ورزشکاران در طول دوران ورزشی خود سود زیادی از لحاظ جسمی و روحی می برند و به جامعه اعتماد به نفس می دهند. وی افزود: اعتماد به نفس اساس ورزش قهرمانی است و به توسعه کشور هم کمک زیادی می کند. حق شناس با اشاره به اهمیت ورزش بانوان تصریح کرد: ورزش بانوان در تمام کشور مظلوم است زیرا محدودیت های زیادی به دلایل مختلف وجود دارد. وی ادامه داد: ۲۷ درصد مالیات



اداره کل فرودگاه های استان گلستان
فرودگاه بین المللی گرگان

آگهی فراخوان پیمانکاران



اداره کل فرودگاه های استان گلستان
فرودگاه بین المللی گرگان

شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران - معاونت عملیات فرودگاهی در نظر دارد

- ۱- ۱۳۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹- مورخ ۹۴/۹/۲۲ مورد پذیرش خواهد بود.
- ۲- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه تاریخ ۹۸/۷/۳۰ می باشد.
- ۳- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه ۹۸/۸/۸
- ۴- مهلت زمان ارسال پاکات (الف) و بارگزاری پاکتها در سامانه: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه ۹۸/۸/۲۵
- ۵- زمان بازگشایی پاکتها: ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه ۹۸/۸/۲۶
- ۶- مشاور پروژه در مرحله تهیه اسناد و برگزاری مناقصه: مهندسین مشاور ایمن راه تلفن ۸۸۷۰۷۰۵۱
- ۷- جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای (الف) با شماره تلفن ۶۳۱۴۸۶۴۶ تماس گرفته یا به آدرس تهران - فرودگاه مهرآباد - خیابان معراج - ساختمان شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران - طبقه چهارم - اداره کل عمران و توسعه فرودگاهها، یا به آدرس اینترنتی <http://iets.mporg.ir> مراجعه نمایید.

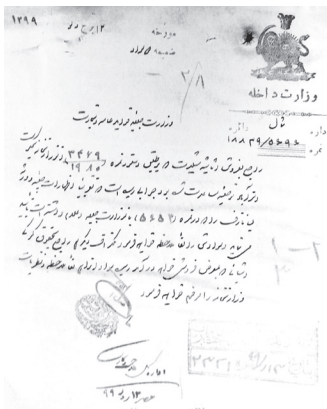
بر اساس قانون برگزاری مناقصات، مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) پروژه خرید، حمل و نصب پارتیشن های ترمینال فرودگاه گرگان به شماره ۲۰۹۸۰۰۱۰۱۰۰۰۰۰۷۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- ۱- شرکتها، تولید کننده و یا عرضه کننده توانمند دارای سوابق کاری اجرا شده مشابه در خصوص موضوع مناقصه باشند.
- ۲- مدت اجرای پروژه ۴ ماه و مدت تضمین ۱۲ ماه می باشد.
- ۳- میزان سپرده شرکت در مناقصه ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (چهارصد میلیون) ریال می باشد که بر اساس آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره

شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران

معاونت عملیات فرودگاهی - اداره کل عمران و توسعه فرودگاهها شناسه آگهی ۶۳۶۹۲۶

استر آبادنامه



استرآباد ۱۳ دلو (بهمن) ۱۲۹۹ خورشیدی (۹۹ سال پیش). نامه از استرآباد خطاب به وزارت "فوائد عامه و تجارت" است در باره فروش اموال مصادره ای خانواده لیانازوف صاحب امتیاز شیلات شمال ایران و ورثه وی که تقاضای مساعدت شده بود. (تاکید می گردد در زمان ناصرالدین شاه قاجار امتیاز ماهیگیری در سواحل دریای خزر از استرآباد و غرب دشت گرگان تا استارا را به استپان لیانازوف اجاره داده بودند. بعد از مرگ وی این امتیاز به گنورکی لیانازوف رسید. اما با انقلاب کمونیستی (بلشویکیا) در شوروی به رهبری لنین در سال ۱۹۱۷ میلادی 'صنایع' اراضی و تجارت به نفع طبقات محروم مصادره شدند و در نتیجه خانواده سرمایه دار و ثروتمند لیانازوف ورشکست شده و نتوانستند قسطها و سهم ایران را بپردازند. بدین جهت در برابر قروض آنها اموالشان در شمال ایران از جمله منطقه استرآباد مصادره و در معرض فروش قرار گرفته بود).



نگاره نمای یک میوه فروشی در اواخر دوره قاجار و حدود ۱۰۰ سال پیش.

«»

"وقایع اتفاقیه ایالت استرآباد در بهمن ماه سال ۱۳۰۲ خورشیدی (۹۶ سال پیش): ۱- چون پختن کباب (جگر سیاه و مخلوط) در ماه رمضان در استرآباد رواج دارد 'چند شب قبل در گذر شیرکش دو جوان (در زمان کباب خوردن) نزاع نموده و با چاقو یکدیگر را زدند. بلافاصله هر دو را به نظمیه (شهربانی) بردند. ۲- چند گاری که ۲۰۰۰ تومان طلا' نقره 'قالی و پلاس داشتند و متعلق به ترکمان جعفریای بود 'در یک فرسخی استرآباد (حوالی روستاهای محمدآباد و یامپی و یا حیدرآباد' متراکته و چالگی کنونی) توسط ۲۰ نفر از رعیت دهاتی فارس مورد دستبرد و غارت قرار گرفتند. صاحبان مال به نایب الحکومه استرآباد شکایت بردند. او نیز چند نظامی را به ان منطقه فرستاد و اموال را گرفته به صاحبانشان باز گردانند.

matoofiasadolah@

تولید و عرضه می شود را تهیه و توزیع کنند و اینکه مصرف کنندگان هم در راستای حمایت از تولیدات داخلی، کالای خارجی که مشابه داخلی وجود دارد را خریداری نکنند تا باعث رونق واحدهای تولیدی داخلی، ایجاد اشتغال جوانان و افزایش ثروت ملی شود. وی ادامه داد: با توجه به اینکه بیشترین تخلف از سوی واحدهای صنفی فاقد مجوز (بدون پروانه کسب و منقضی شده) صورت می پذیرد، انتظار می رود اتحادیه های مربوطه و اتاق اصناف با همکاری واحد نظارت بر امکان انتظامی نسبت به اجرای ماده ۲۷ قانون نظام صنفی (پلمب) اقدام کنند تا شاهد عرضه اقلام قاچاق در بازار نباشیم.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت مینودشت گفت: باید در راستای حمایت از تولید داخل فرهنگ سازی کنیم و نخستین قدم آن استفاده از کالای داخلی به جای محصولات خارجی است. به گزارش روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان، علی تجری اظهار کرد: باید در راستای حمایت از تولید داخل فرهنگ سازی کنیم و از طریق برگزاری کلاس های آموزشی و راه اندازی کانال های آموزشی این کار را انجام دهیم. تجری ضمن تاکید به حمایت از تولید داخل افزود: در این فرهنگ سازی در درجه اول واحدهای صنفی نباید کالای خارجی که مشابه داخلی آن در کشور

لرزم ترویج فرهنگ استفاده از کالای داخلی در جامعه

مبلمان شهری گرگان پرخرج اما نایمن



سایر دستگاه های خدمات رسان کنده شده اشاره کرد و ادامه داد: این کنده کاری ها بدون برطرف کردن چاله ها رها شده و هیچ اقدامی برای تعمیر آن ها صورت نمی گیرد. طبق گفته اکرامی محل پارک معلولان در داخل شهر بسیار کم است و اغلب هم توسط دیگران اشغال می شود. کارشناس ستاد مناسب سازی محیط و مبلمان شهری گلستان هم با بیان این که شبکه معابر باید پیوسته باشد، گفت: پیوستگی معابر یعنی از ابتدا تا انتها معبر اختلاف ارتفاع وجود نداشته و پیاده روها هم عریض باشند تا افراد تردد ایمنی را تجربه کنند. رضا شاه حسینی ادامه داد: در بسیاری از نقاط شهر، درخت، مبلمان شهری، صندوق پست، ترانسفورماتورهای برق و سطل های زباله سبب می شود تا پیاده روها برای عبور معلولان مناسب نباشد.

سرگیر بودن تابلوهای شهری

شاه حسینی رعایت استانداردها و استفاده از مصالح مناسب را از خواسته های افراد دارای معلولیت برشمرد و بیان کرد: بعضی از موادی که در معابر و کف پوش ها استفاده می شود لغزندگی سطح معابر را افزایش می دهد و برای افرادی که از ویلچر و عصا استفاده می کنند، خطر ساز است. وی مشکلات نابینایان را بیشتر از سایر معلولان اعلام کرد و افزود: سرگیر بودن تابلوهای شهر باعث می شود مشکلات جدی برای افراد نابینا و کم بینا ایجاد و این مسأله نیازمند توجه بیشتر است. شاه حسینی با اشاره به ایجاد مسیر ویژه نابینایان در بخشی از پیاده روهای گرگان، گفت: جاگذاری نامناسب موزاییک های سکه ای به عنوان مثال در میدان ولیعصر (عج) باعث آسیب

فاصله زیادی وجود دارد. یک کارشناس شهری در این زمینه گفت: طراحی صحیح پیاده رو، تأثیر بسزایی بر افزایش کاربری، ایمنی و دسترسی پیاده به خصوص افراد معلول خواهد داشت؛ چرا که جریان طبیعی زندگی فرد معلول به شبکه دسترسی پیاده وابسته است. طاهر اسدی با گالایه از عدم مناسب سازی و خدمات دهی مناسب به معلولان در گرگان گفت: متأسفانه بالاترین هزینه ها و بودجه های شهری را صرف کارهای نمایشی می کنیم و بودجه هایی هم که برای این کار در نظر می گیریم در جاهای دیگر هزینه می شود.

اتوبوس ها سیستم صوتی ندارند

یکی از روشندان ساکن گرگان مهم ترین مشکل نابینایان را موضوع ایاب و ذهاب اعلام کرد و گفت: به دلیل نداشتن سیستم صوتی در اتوبوس ها فرد نابینا نمی داند که چه زمانی به ایستگاه مورد نظر رسیده و پیاده شود. رضا اکرامی گفت: در خصوص مناسب سازی و مبلمان شهری هم مشکلات زیادی وجود دارد و با اقدامی صورت نگرفته و یا کارشناسی شده نیست. وی افزود: برای مثال مسیری که برای نابینایان تعریف شده در بسیاری از نقاط به موانعی چون تیر چراغ برق یا میله های فلزی و دیوار منتهی می شود. اکرامی گفت: بساط مغازه ها و دستفروشان در پیاده روها از دیگر موانع موجود بر سر راه نابینایان است که نظارتی در این خصوص انجام نشده و این در حالی است که باید ویرترین هر مغازه ای در محدوده مشخصی تعریف شود.

چاله های سطح شهر معضل معلولان

وی همچنین به چاله هایی که در سطح معابر برای فاضلاب شهری و یا توسط

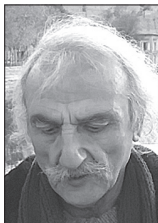
اعظم محبی - عدم مناسب سازی معابر و ساختمان های اداری، تجاری و مراکز تفریحی در گرگان سبب شده که همه افراد معلول نتوانند در جامعه حضور پررنگی داشته باشند. مقابل بانک ایستاد، به رمپ نگریت، محاسبه ای کرد و دلش را به دریا زد... سعی کرد با ویلچر از آن بالا برود، اما شیب غیر استاندارد رمپ مانع از آن شد. یک روز گیشه بلند بانک، یک روز جوی ها بدون پل، یک مرتبه هم پیاده روهای نایمن همه و همه دست در دست هم می دهند تا افراد دارای معلولیت علیرغم کثرت در جامعه حضور نداشته باشند. جامعه ای که در آن زندگی می کنیم متعلق به همه است لذا سهم مساوی باید برای همه گروه ها اعم از کودک، سالمند، زن، مرد، افراد سالم و معلول در نظر گرفت و سرانه های شهری هم باید به طور یکسان بین این افراد توزیع شود. نباید در تصمیم گیری های شهری برای ایجاد مبلمان تنها افراد جوان و سالم را ملاک قرار داد و باید هنگام احداث اداره، بانک، پیاده رو و غیره و خرید ناوگان حمل و نقل عمومی معلولان هم در نظر گرفته شوند و حتی می توان برای این کار مشاوره ای از بین آن ها انتخاب کرد. مشکلات معلولان، هرگز تنها معلولیت آنها نبوده بلکه عدم رعایت حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که افراد دارای معلولیت با آن روبرو هستند. اگر شرایط برای حضور معلولان در جامعه فراهم باشد مطمئناً علاوه بر تقویت روحیه خودباوری در آن ها می توان از توان و ظرفیت این افراد در اداره جامعه بهره گرفت. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی ۱۰ درصد از افراد جهان به نوعی دچار معلولیت جسمی هستند که به دو دسته معلولان حسی و معلولان جسمی - حرکتی تقسیم می شوند.

شیوع بالای معلولیت در گلستان

بنابراین تعداد قابل ملاحظه این افراد و وجود گروه های کودک، سالمند و جانباز ضرورت برنامه ریزی صحیح تر در خصوص مناسب سازی را نشان می دهد و این امر در گلستان که شیوع معلولیت به گفته مسئولان بهزیستی استان بیش از میانگین کشوری است باید بیش از سایر استان ها باشد. در شهر گرگان هم طی سنوات گذشته اقداماتی در زمینه مناسب سازی معابر و اتوبوس های شهری انجام شده اما هنوز تا رسیدن به نقطه ایده ال

نقدی بر کتاب پرچمدار

نهضت مشروطه خواهی در استرآباد



کاظم طبیبی - مشروطیت از جمله موضوعاتی است که هرازچندگاه مورد بحث و جدل قرار می گیرد و بر سر آن سخن ها می رود. چه در سطح ملی و چه در سطح برخی مناطق و استان ها یا شهرهای کشور.

اخیراً، رحمت الله رجایی تاریخ نگار گرگانی کتابی منتشر کرده است به نام «پرچمدار نوگرایی در استرآباد» که در آن از زندگی و فعالیت های شیخ محمدحسین مقصودلو سخن رفته است که به ادعای نویسنده ی کتاب، رهبر فعالیت های مشروطه خواهی در استرآباد است و در این مجال قصد داریم چند و چون این کتاب را به بحث بگذاریم. کتاب متأسفانه از اغلاط تایپی و حتا املائی بسیار رنج می برد. به لحاظ ویرایشی نیز بسیار مغشوش و از صفحه آرای مطلوب نیز بی بهره است. نمی دانم چرا نویسنده گان و به ویژه نویسنده گان شهرستانی از ویراستار گریز کنند. شاید یک علت آن، بحث هزینه باشد. این کتاب توسط اداره ی ارشاد به چاپ رسیده است. بنابراین هزینه ای برای نویسنده نداشته است. اگر قرار باشد هزینه ی حداقلی برای ویراستاری هم پرداخت نشود، چه بهتر که از چاپ کتاب منصرف شوند. حتا سعی نکردند این کتاب را به دست یک نمونه خوان معمولی بدهند تا علاوه بر اصلاح برخی غلط های تایپی، مانع تکرار برخی کلمات و عبارات در یک جمله شوند. در مواردی مشاهده می شود که در این کتاب حتا یک عبارت سبزه کلمه ای، دوبار پشت هم تکرار شده است. (ص. ۶۹)

در مورد ویرایش اگر بخواهم نمونه بیاورم باید تمام مطلب را به این بخش اختصاص دهم. تنها به یک نمونه اشاره می کنم و به سرعت از این بحث درمی گذرم. در صفحه ی ۲۷ کتاب آمده است: «شیخ حسین مقصودلو به دستور صدراعظم رضاخان به مشهد تبعید شد.» در ادامه، سال مرگ این شخص ۱۳۰۳ و به روایتی ۱۳۰۴ درج شده است. به خوبی می دانیم که رضاخان پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ بر سر کار آمد و در اولین دولت بعد از کودتا، فقط یک فرمانده نظامی بود. بعد از سقوط دولت سیدضیاء و بر سر کار آمدن دولت قوام، رضاخان وزیر جنگ شد. نهایتاً در آبان ۱۳۰۳ مجلس به انقراض قاجاریه و تأسیس سلسله ی پهلوی رأی داد و اردیبهشت ۱۳۰۴ به عنوان شاه بر تخت نشست. بنابراین در تاریخ یاد شده (تاریخ تبعید مقصودلو به مشهد) رضاشاه در مقامی نبود که صدراعظمی داشته باشد تا فرمان تبعید صادر کند. در واقع با توجه به این اطلاعات، جمله ی صفحه ی ۲۷ کتاب باید این گونه باشد: شیخ حسین مقصودلو به دستور صدراعظم، رضاخان به مشهد تبعید شد. یعنی با گذاشتن یک ویرگول ساده بعد از کلمه ی صدراعظم، خواننده متوجه می شود که منظور از صدراعظم، همان شخص رضاخان است. این کار را تنها یک ویراستار می تواند به آن توجه کرده و رفع عیب کند؛ همان که ازش می ترسند و حضورش را تاب نمی آورند.

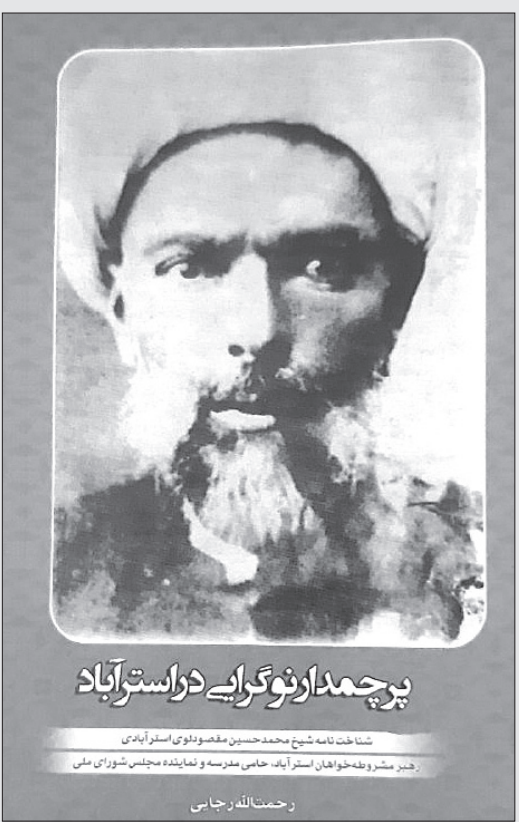
در موضوع مشروطیت کتاب های بسیاری نوشته شد و باز هم نوشته می شود، اما در میان آن ها، چهار کتاب اهمیت ویژه ای دارد. اهمیت ویژه ی این چهار کتاب به این دلیل است که هم در نزدیک ترین زمان به واقعه نوشته شده و هم نویسنده گان این کتاب ها خود از نزدیک شاهد ماجرا بوده و برخی نیز مستقیماً در آن نقش آفرین بوده اند که به لحاظ در نظر گرفتن تقدم و تأخر نوشتن، می توان چنین نام برد: اول، تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ی ناظم الاسلام کرمانی که در واقع به نوعی روزنوشت انقلاب مشروطه یا یادداشت های روزانه ی این انقلاب است و نویسنده ی آن از نقش آفرینان اولیه است. دوم، کتاب چهارجلدی حیات یحیی نوشته ی میرزا یحیادولت آبادی ست. نویسنده ی این کتاب نیز از نقش آفرینان اولیه در انقلاب مشروطیت در تهران بود. سوم، کتاب خاطرات و خطرات، نوشته ی مهدی قلی هدایت است که کم و بیش در مشروطیت نقش آفرین بود و بعدها به مدت شش سال صدراعظم رضاشاه بود و آخرین کتاب، تاریخ مشروطه اثر گرانسنگ احمد کسروی ست که نویسنده، بسیاری از ماجراهای مبارزات مردم تبریز را از نزدیک شاهد بوده است. این کتاب درواقع سنگ بنای تاریخ نویسی نوین در ایران شمرده می شود. بسیاری از روی دادهای انقلاب

مشروطیت ایران را می توان با استناد به این کتاب ها مورد بررسی قرار داد. آن چه که به عنوان مشروطیت استرآباد از آن سخن می رود، در هیچ یک از کتاب های دوم و سوم و چهارم، نشان و نشانه ای نمی بینیم. تنها در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، آن هم در جلد چهارم و صفحه ی ۳۵۷ از تشکیل انجمن مشروطه طلبان استرآباد در سال ۱۳۲۷ قمری سخن رفته است؛ یعنی سه سال پس از پیروزی این انقلاب و صدور فرمان آن و برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس و تصویب قانون اساسی انقلاب در آن مجلس. یکی از کتاب هایی که مورد استناد نویسنده گان منطقه برای اثبات فعالیت های مشروطه خواهان در استرآباد مورد استناد قرار می گیرد، کتابی ست به نام «مبارزات سیاسی و اجتماعی در استرآباد» نوشته ی ماتویف نویسنده ی روسی. این کتاب هم آغاز تشکیل انجمن های مشروطه خواه در استرآباد را سال ۱۹۰۹ برابر با ۱۳۲۷ قمری و برابر با ۱۲۸۸ شمسی، یعنی دقیقاً سه سال بعد از پیروزی انقلاب، اعلام می کند. کتاب حاضر یعنی کتاب پرچمدار نوگرایی در استرآباد هم بدون اشاره به سالی مشخص، بر این موضوع صحنه می گذارد. مثلاً در صفحه ی ۲۱ می نویسد: «استرآباد در این زمینه دیرتر وارد عرصه ی تحولات شد.» و در صفحه ی ۳۵ می نویسد: «مشروطه خواهی در استرآباد نسبت به مناطقی هم چون تهران و تبریز با تأخیر بسیار صورت گرفت.» و در ادامه اضافه می کند: «تا قبل از صدور فرمان تاریخی مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ گزارشی از فعالیت های مشروطه خواهی در استرآباد دیده نشده است.» با این همه می بینیم که نویسنده گویا تحت تأثیر برخی هیجانات، مطالبی را که خود به آن اشاره داشته، فراموش می کند و در صفحه ی ۳۳ مدعی می شود: «ناکارآمدی مسئولان زمینه ی شکل گیری جنبش مشروطیت را در ایالت استرآباد و به ویژه در شهر استرآباد فراهم و آن جا را به یکی از کانون های انقلاب مشروطیت ایران تبدیل کردند!» وقتی خود نویسنده معترف است که این فعالیت ها در استرآباد با تأخیر شروع شده و مشخصاً قید می کند تا قبل از صدور فرمان مشروطیت هیچ گزارشی از فعالیت در این زمینه دیده نشده، چه گونه می شود زمینه ی شکل گیری جنبش مشروطه را در این شهر باور کرد تا جایی که آن را یکی از کانون های انقلاب بدانیم؟ در حالی که پیش از این در دو کتاب معتبر و مورد استناد دیدیم این فعالیت ها تنها سه سال بعد از پیروزی انقلاب شروع شده است؟!

وقتی فرمان انقلاب مشروطیت امضا می شود و به تبع آن مجلس تشکیل می شود و حتا قانون اساسی انقلاب به تصویب نماینده گان مجلس می رسد، دیگر تشکیل انجمن مشروطه خواهی و اعلام فردی به عنوان رهبر، یعنی چه؟ به این دسته از افراد تنها یک عنوان می شود داد: «انقلابیون بعد از انقلاب!» که بعد از پشت سر گذاشتن همه ی سختی ها و محرومیت ها، بعد از پهن شدن سفره، برای بهره برداری از موقعیتی که انقلاب به وجود آورده است، دور سفره جمع می شوند و فریاد می زنند: انا شریک!! موضوعی که در بسیاری از موارد مشابه هم به عینه دیده می شود.

حال بیاییم و خوش بینانه به قضیه نگاه کنیم و تصور کنیم که حضرات برای استقرار انقلاب و تحکیم مضامین آن، انجمن تشکیل داده اند؛ یعنی برای برقراری آزادی. آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی اعتراضات و در کلیت آن، حاکمیت قانون. از کارنامه ی حضرات در این زمینه چه گزارش هایی در تاریخ منطقه ثبت شده است؟ هیچ.

این انقلاب بعد از مدتی با هجوم ضدانقلاب مواجهه شد. این انجمن برای مقابله با ضدانقلاب چه کرد؟ کاری به جز فرار و مخفی شدن؟ در صفحه ی ۴۵ همین کتاب آمده است: «با هجوم ترکمن ها به شهر استرآباد، بسیاری از مردم و از جمله اعضای انجمن به ریاست شیخ محمدحسین مقصودلو از ترس به کنسول گری روسیه در استرآباد پناه بردند.» در صفحه ی ۴۸ نیز آمده است: «با ورود شاه معزول، مشروطه خواهان برای حفظ جان خود به قونسول خانه ی روس پناه بردند.» یعنی به خانه ی دشمن پناه بردند. دشمنی روسیه با انقلاب مشروطه بر کسی پوشیده نیست؛ از حمایت های روسیه از محمدعلی شاه، از حضور امثال شاپشال و لیاخوف در دور و بر شاه و از حمله به مجلس به سرکرده گی لیاخوف و از پناه دادن شاه معزول در روسیه



و از تجهیز او برای پس گرفتن سلطنت از دست رفته. این همه در حالی روی می دهد که به نوشته ی صفحه ی ۵۰ همین کتاب، انجمن نیروی مسلحی در اختیار داشته که تعداد آن ۴۰۰ نفر ذکر شده است، اما می بینیم اولین و تنها اقدام آنان به جای مقابله با دشمن، فرار و پناه بردن به خانه ی دشمن است و از همه بدتر آن که بعد از ورود محمدعلی شاه به استرآباد، وقتی محمدحسین مقصودلو، کنسول گری روسیه را جای چندان امنی نمی یابد، به سمت شاهرود می گریزد و آن قدر آن جا می ماند تا به نوشته ی اسدالله معطوفی در صفحه ی ۳۰۳ کتاب «استرآباد در بستر تاریخ» با اجازه و پادرمیانی قنصل روسیه به استرآباد برمی گردد، آن هم به شرطی که در خانه بماند و با مردم ملاقات نکند؛ یعنی چیزی که امروزه «حصر» خوانده می شود.

از محمدحسین مقصودلو چه گونه به عنوان فردی انقلابی یاد می شود که در مقابله با مشکلات، جز فرار و مخفی شدن و پناه بردن به خانه ی دشمن، سخنی نمی رود؟ همین رفتار را مقایسه کنید با آن چه که کسروی از ستارخان در صفحه ی ۶۹۴ تاریخ مشروطه نقل می کند. وقتی که عرصه بر مشروطه خواهان تبریز تنگ می شود بر سر در همه ی خانه ها، پرچم سفید تسلیم برمی افرازند و حتا باقرخان را وسوسه ی تسلیم قتلک می دهد، ستارخان به تنهایی با تفتنگی در دست و نوارفشنگی بر شانه، سوار بر اسب در کوچه های تبریز می تازد و با تیراندازی، یک یک پرچم های تسلیم را از سر در خانه ها سرنگون می کند و تبریز دوباره جان می گیرد و از جا برمی خیزد. چه گونه می شود این دو رفتار را باهم مقایسه کرد و از هر دو به عنوان یک انقلابی نام برد؟ اسدالله معینی از

معاون خدمات شهری شهردار گنبد کاووس گفت: شهرداری با اجرای طرح آزادسازی معابر به منظور روانسازی ترافیک شهری، با هرگونه ایجاد سد معبر در پیاده روها یا حاشیه معابر شهر برخورد می کند. هوشنگ ابراهیم بیگی اظهار داشت: با آغاز اجرای طرح آزادسازی معابر در یک هفته گذشته، کمربندی شهید صیاد شیرازی در محدوده بیمارستان تامین اجتماعی که به عنوان جاده سلامت شناخته می شود و شهروندان در این مسیر پیاده روی انجام می دهند از حضور وانت بارهای میوه فروش که در خیابان بساط کرده و علاوه بر ایجاد بار ترافیکی، آسغال های میوه را در پیاده رو رها می کردند، پاکسازی شد. وی افزود: با هماهنگی قوه قضاییه و نیروی انتظامی و با هدف کاهش آسیب های اجتماعی و روانسازی

طرح آزادسازی معابر در گنبد کاووس به اجرا گذاشته شد

که با آنان به طور قطع برخورد قانونی می شود. وی اظهار داشت: خیلی از مشکلات سد معبر مربوط به مغازه دارانی است که قانع به حق خود نیستند و اسباب و وسایل شان را در پیاده رو ریخته و حتی خیابان را هم با خودرو حامل وسایل اشغال می کنند که این موارد را می توان در خیابان وحدت، امامزاده و حافظ مشاهده کرد که الان در مرحله دریافت اخطار قرار دارند. به گفته وی، هم اینک بازارچه های محلی در میدان آزادگان، تقاطع دلگشا، خیابان فرودسی و امامزاده دایر است و یک بازارچه جدید هم در خیابان حافظ تقاطع مدرس در حال شکل گیری است و همچنین چند نفر هم تقاضای تبدیل زمین هایشان به بازار روز را دادند که سبب رونق کسب و کار و اشتغالزایی می شود.

ترافیک شهری، موضوع برخورد با سد معبر کنندگان به طور جدی در دستورکار شهرداری قرار گرفته است. معاون خدمات شهری شهردار گنبد کاووس با اشاره به ادامه دار بودن اجرای طرح آزادسازی معابر گفت: به دستفروشان، وانت بارهای میوه فروش و مغازه دارانی که پیاده رو و خیابان ها را به اشغال خود درآورده و بساط پهن کرده اند در مرحله نخست اخطار و تذکر داده و برای ساماندهی و ادامه فعالیتشان به بازارچه های محلی که مشکل ترافیک احتمالی برای شهروندان ایجاد نمی کند، هدایت می شوند. وی خاطر نشان کرد: عده ای از فروشندگان سیار به دلیل اینکه فعالیت در معابر پرتردد درآمد بیشتری برایشان دارد حاضر به جابجایی و استقرار در بازارچه های محلی نیستند

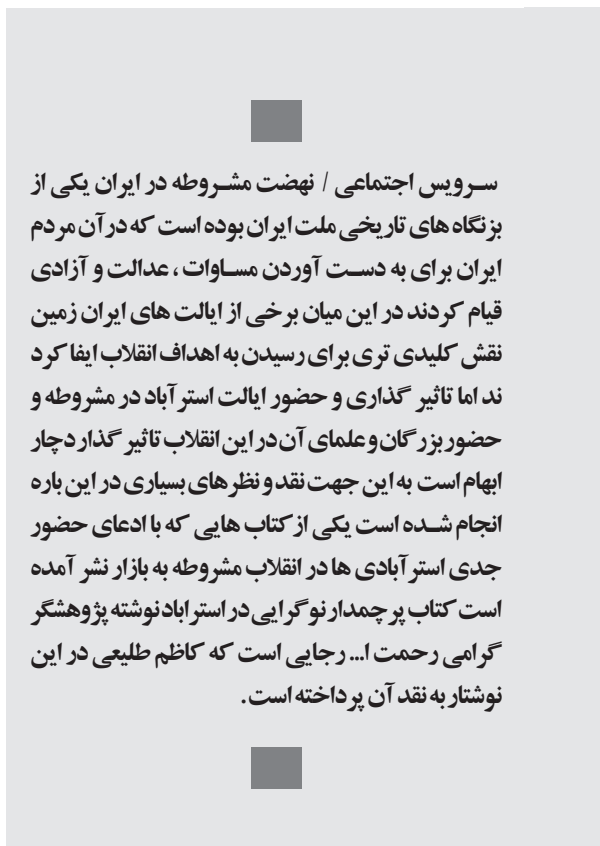
باد خواب و خیالی بیش نبوده است

هم چنان بر مدعای خود پا سفت می کنند. اسدالله معطوفی در صفحه‌ی ۳۰۳ کتاب «استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران» در همین مورد می نویسد: «محمدعلی شاه بدون هیچ مقاومتی از جانب انجمن وارد شهر می شود، به تلگراف خانه می رود و در عمارت کلاه فرنگی ساکن می شود. نه تنها کسی مانع او نیست، بلکه عده‌ای از تجار و کسبه و اشراف، برای عرض خیرمقدم به دیدارش می روند و در همان حال عده‌ای از اعضای انجمن به قنسول خانه پناه می برند یا به بسطام و شاهرود فرار می کنند. محمدعلی شاه حتا در مدت اقامت خود با اقتدار تمام فرمان عفو عمومی صادر می کند.» (نقل به مضمون) درحالی که انجمن با ۴۰۰ نیروی مسلح خود می توانست در همان گمش تپه کار را یک سره کرده و محمدعلی شاه را برای همیشه به روسیه برگرداند.

نکته‌ی جالب دیگری که از مطالب کتاب معطوفی نتیجه می گیریم، نوع برخورد کسبه و تجار شهر است. در شهر تبریز، حامیان مالی انقلاب تجار شهر هستند و نیروهای فعال انقلاب، کسبه‌ی شهر. نگاهی به مشاغلی که کسروی از نیروهای انقلاب در تبریز ردیف کرده، کاملاً این موضوع را ثابت می کند؛ اما در استرآباد تجار و کسبه‌ی شهر برای عرض خیرمقدم به حضور محمدعلی شاه می رسند و صد سال بعد کسانی می خواهند از این حضرات انقلابی بتراشند. به این ترتیب، از این مقدمات می توان نتیجه گرفت که آن چه به عنوان نهضت مشروطه خواهی در استرآباد به رهبری محمدحسین مقصودلو گفته می شود، خواب و خیالی بیش نبوده و حداکثر محفلی مختصر و خودمانی بوده که در خانه های این و آن نشست هایی دوستانه و محفلی داشتند، بی آن که نتایجی عملی و ملموس بر آن مترتب باشد و نیز نیروی مسلح ۴۰۰ نفره نیز عدد بسیار بسیار کوچکی بوده که به مراتب بزرگ نمایی شده است؛ صرفاً جهت تراشیدن افتخارات جعلی برای منطقه درحالی که نه تنها در استرآباد، بلکه در بسیاری از نقاط ایران آن روز، هیچ خبری از مشروطه خواهی نبود و این موضوع نمی تواند دلیلی برای سرزنش نسل های آینده باشد.

یکی از کتاب هایی که بسیار مورد استناد نویسنده‌ی کتاب حاضر قرار گرفته است، کتابی ست به نام «تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی در استرآباد عصر مشروطه» نوشته‌ی ماتویف ترجمه‌ی محمد نایب پور. در فصل های اول و دوم از فصول شش گانه‌ی این کتاب، نامی از استرآباد نیست و تنها در فصل سوم از استرآباد نام برده می شود با بیتی تحت عنوان «تکامل بلوای ضدانقلابی در استرآباد» در واقع به تعبیر نویسنده‌ی کتاب، اگرهم بخواهیم از نهضت مشروطه در استرآباد نامی ببریم، ناچار باید ابتدا از فعالیت های ضدانقلابی در این منطقه بگوییم نه چیز دیگر. درواقع می توان گفت که استرآباد نه تنها کانون فعالیت های مشروطه خواهی نبوده و هیچ فعالیت انقلابی به نفع مشروطیت در آن جریان نداشته، بلکه کانون و مرکز ضدانقلاب بوده است و باید اضافه کرد که مردم استرآباد در این زمینه بسیار خوش شانس بوده اند. خوش شانس بوده اند که محمدعلی شاه در شکست انقلاب مشروطه و بازگشت به استبداد با ناکامی مواجه شد؛ وگرنه تا همیشه‌ی تاریخ ننگ ضدانقلاب بر پیشانی اهالی استرآباد می ماند که به یاری آنان، انقلاب بزرگی چون مشروطه به ناکامی، جوان مرگ شد. طرح روی جلد کتاب ماتویف نیز خود گویای مطالب بسیاری در این زمینه و تأییدی ست بر آن چه که در این صفحات آمده است. تا همین سی چهل سال پیش اعتقاد عمومی براین بود که انقلاب تنها از طریق رویارویی مسلحانه حاصل می شود و عباراتی مثل «صدای انقلاب تنها از دهانه‌ی تفنگ درمی آید» و «نهال انقلاب تنها با خون آبیاری می شود»، دست کم در فرهنگ جوامع پیرامونی رایج بود و به آن اعتقاد راسخی

وجود داشت و انقلاب فرانسه و روسیه و الجزایر را به عنوان شاهد مثال چنین عقایدی یادآوری می کردند. تنها در سال های اخیر است که فلاسفه‌ی سیاست و جامعه شناسان به این نتیجه رسیده اند که از دل هیچ انقلابی دموکراسی پدید نمی آید و کم هزینه ترین راه برای تغییرات، اصلاحات است که برخی آن را رفورم هم معنی کرده اند و حتا دسته‌ای از آن به استحاله تعبیر کرده اند، اما تا پیش از این، انقلاب، آن هم از نوع خونین و مسلحانه‌ی آن، تنها راه نجات خلق ها محسوب می شد. روی جلد کتاب ماتویف نیز بر همین موضوع تأکید می کند با این تفاوت که در این جا تفنگ ابزار انقلاب نه تنها کارایی ندارد، بلکه لوله‌ی آن تا نزدیکی ماشه در خاک فرو رفته است. معنی این تصویر می تواند این باشد که از اصل هیچ انقلابی در منطقه ظهور و بروز نداشته است. از سوی دیگر در تصویر می بینیم که بر قنداق این تفنگ در خاک فرو رفته جوانه هایی رویده است. می دانیم که تفنگ های آن زمان مثل M-۱ و برنو، قنداقی چوبی داشته اند. در تصویر دیده می شود که از قنداق چوبی این تفنگ ها جوانه هایی رویده است و به این معنی ست که تفنگ مذکور سال ها ست که در خاک خفته است و به عبارت دیگر از دیرباز، در این سرزمین هیچ انقلابی روی نداده است. اشارات صریح ماتویف در مورد شرایط اجتماعی و سیاسی استرآباد در آن دوره را، چه گونه باید تعبیر و تفسیر کرد؟ در مورد هواداری برخی از محلات استرآباد از مشروطه خواهی و متقابلاً طرفداری برخی محلات دیگر از استبداد هم سخن های بسیاری رفته است و در این مورد هم حرف و حدیث بسیار است. واقعیت این است که این اختلافات عمدتاً به مسایل اقتصادی برمی گردد و انحصارطلبی های شیخ و پیش نماز محله که هریک به فراخور وضعیت فکری خود هوادار گروهی می شدند و اهالی محل نیز به عنوان مرید آنان از این فکر تبعیت می کردند؛ درحالی که نه هواداران مشروطه درک درستی از مشروطیت داشتند و نه طرفداران استبداد چندان آن را می شناختند. این اختلافات در سرتاسر ایران بین شهرها و ایالات مختلف و حتا بین محلات یک شهر بر سر موضوعات مختلف وجود داشته که در ادبیات تاریخی از آن به اختلافات «حیدری – نعمتی» یاد شده است و در شهرهایی چون تبریز و کرمان نمود بیش تری داشت و حتا در ادبیات و زبان زدها و ضرب المثل های اقوام هم نفوذ کرده که نمونه های زیادی از آن می توان مثال زد. مثل ضرب المثل معروفی که اهالی اصفهان در مورد دو شهر هم سایه تکرار می کردند و می گفتند: «نه قم خوبه نه کاشون، لعنت به هردو تاشون.» در استرآباد هم از این دست ضرب المثل های حقارت آمیز به ویژه در مورد اقوام مهاجر ساخته شده و در محاورات به کار می رفته است که صرفاً به جهت توهین آمیز بودن آنکه ممکن است سبب تکدر خاطر اقوام مهاجر شود، از بازگویی آن خودداری می کنم. آخرین موضوعی که لازم است در مورد محمدحسین مقصودلو گفته شود، موضوع دریافت پول از کشورهای بیگانه است. یک جا در صفحه‌ی ۵۶ کتاب پرچمدار نوگرایی... آمده است: «حاج شیخ محمدحسین مقصودلو وکیل استرآبادی که به تهران رفته و ضمناً با آلمان ها و عثمانی ها هم دست بود، پول گزافی از آنها گرفته تا بر علیه دولت انگلیس و روس رفتار نماید.» و در جای دیگر در صفحه‌ی ۸۱ همین کتاب آمده است: «حاج شیخ حسین وکیل سابق استرآباد با دولت بلشویکی اتحاد داشته برای وکالت نامبرده به اندازه کوشش دارند و مکشوف شده است به توسط اداره وین اشترک ها پولی گراف برای حاج شیخ فرستاده اند به قوه پول مشغول انتریک وکیل استرآباد می باشند.» پول گرفتن از دولت بیگانه و عمل به نفع آن دولت، در عرف سیاسی، غیر از جاسوسی چیست؟ آیا محمدحسین مقصودلو رهبر انجمن مشروطه خواهی در استرآباد جاسوس هم بوده است؟!



سرویس اجتماعی / نهضت مشروطه در ایران یکی از بزنگاه های تاریخی ملت ایران بوده است که در آن مردم ایران برای به دست آوردن مساوات، عدالت و آزادی قیام کردند در این میان برخی از ایالت های ایران زمین نقش کلیدی تری برای رسیدن به اهداف انقلاب ایفا کرد ند اما تأثیر گذاری و حضور ایالت استرآباد در مشروطه و حضور بزرگان و علمای آن در این انقلاب تأثیر گذار دچار ابهام است به این جهت نقد و نظرهای بسیاری در این باره انجام شده است یکی از کتاب هایی که با ادعای حضور جدی استرآبادی ها در انقلاب مشروطه به بازار نشر آمده است کتاب پرچمدار نوگرایی در استرآباد نوشته پژوهشگر گرامی رحمت ا... رجایی است که کاظم طلایی در این نوشتار به نقد آن پرداخته است.

نویسنده گان منطقه، کتابی دارد به نام «جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان». بخشی از این کتاب در شماره‌ی ۱۷۴ هفته نامه‌ی سلیم در تیرماه سال ۱۳۸۵ نقل شده است که یادآوری قسمتی از آن در همین زمینه ما را در شناخت بیش تر موقعیت مشروطه خواهان استرآباد یاری می کند. معینی می نویسد: «اعضای انجمن حتا برای اطمینان از خبر ورود محمدعلی شاه به گمش تپه، جرئت رفتن به آن جا را نداشتند.» (نقل به مضمون) خب؛ این چه نهضتی انقلابی ست که حتا با داشتن ۴۰۰ نیروی مسلح، در منطقه‌ی خودشان هم جرئت تردد و آمد و شد نداشتند؟ و محمدعلی شاه تنها با ۱۰۰ نیرو وارد شهر می شود و هیچ اقدامی از حضرات انقلابی دیده نمی شود؟

در واقع محمدعلی شاه به رغم بی سوادی، به درستی تشخیص داده بود که بهترین راه برای ورود دوباره به کشور، منطقه‌ی استرآباد است. این موضوع در کتاب حاضر هم مورد بحث قرار گرفته و در صفحه‌ی ۴۵ دلیل آن را ضعف تقریبی مشروطه طلبان استرآباد در مقایسه با سایر نقاط می داند و از قول ماتویف اضافه می کند: اگرچه شاه در گیلان و آذربایجان دوستانی دارد، اما دشمنان بسیاری نیز دارد، اما در استرآباد، شاه هیچ دشمنی ندارد. جان کلام همین جاست. محمدعلی شاه در آن زمان می دانست که نهضتی در این منطقه وجود ندارد که بتواند جلوی او را بگیرد، اما امروز عده‌ای هم چنان بر این طبل می کوبند و در مورد نهضت مشروطیت در استرآباد داد سخن می دهند و در لابه لای متون خاک گرفته دنبال سند و مدرک می گردند و چیزی هم نمی یابند، اما

دستگیری متخلفان صید پرندگان شکاری

متخلفان صید پرندگان شکاری در گمیشان و کردکوی دستگیر شدند. دو تن از صیادان بازهای شکاری در مناطق دشتی شمال شهرستان گمیشان روز گذشته توسط محیط بانان اداره حفاظت محیط زیست شهرستان های بندر ترکمن و گمیشان دستگیر شدند. محیط بانان اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بندر ترکمن و گمیشان درحین گشت و کنترل در زیستگاه های شمالی شهرستان گمیشان به دو صیاد پرندگان شکاری که در حال رصد و رهگیری این پرندگان به وسیله موتورسیکلت بودند، برخورد و موفق به دستگیری این افراد قبل از صید و زنده گیری پرندگان شکاری شدند. در بررسی ادوات همراه این متخلفان سه قطعه پرنده طعمه، سه دستگاه شبچه (تله مخصوص زنده گیری) و یک دستگاه موتورسیکلت کشف و ضبط شد. پرونده این متخلفان

هم جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی ارجاع شد. همچنین باهو شیاری محیط بانان شهرستان کردکوی در تعطیلات پایانی هفته گذشته پنج شکارچی متخلف پیش از اقدام به شکار غیر مجاز در مناطق کوهستانی این شهرستان دستگیر شدند. محیط بانان شهرستان کردکوی در حین گشت و کنترل شبانه روزی در هفته گذشته موفق به جلوگیری از شکار سه گروه از شکارچیان غیر مجاز در مناطق کوهستانی این شهرستان شدند. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان کردکوی در این باره گفت: محیط بانان این شهرستان شامگاه روز پنج شنبه در حین گشت و کنترل در منطقه قلدین روستای ییلاقی رادکان با شنیدن صدای شلیک گلوله به آن مکان مراجعه و موفق به دستگیری یک شکارچی غیر مجاز به همراه یک قبضه اسلحه دولول دارای مجوز حمل شدند

که خوشبختانه فرد مذکور موفق به شکار نشده بود. کریم الله تازی که افزود: همچنین محیط بانان این شهرستان در ادامه گشت و کنترل از دو راکب موتورسیکلت یک قطار فشنگ حامل هفت تیر فشنگ چهارپاره، سه تیر فشنگ تک گلوله و سه تیر فشنگ ساچمه کشف و ضبط کردند. وی ادامه داد: محیط بانان در ادامه گشت شبانه ساعت ۱:۳۰ با مبادا جمعه ۲۶ مهر در منطقه کوهستانی پنج شاخه به یک گروه از متخلفان شکار که اقدام به پروژکتور کشی جهت شکار غیر مجاز کوچ و میش در منطقه کردند برخورد و بلافاصله اقدام به بازداشت این متخلفان کردند که در بازرسی از ادوات همراه این متخلفان تعداد دو قبضه سلاح شکاری شامل یک قبضه اسلحه دولول مجاز و یک قبضه اسلحه تکلول غیر مجاز و یک دستگاه پروژکتور کشف و ضبط شد.

در میدان شهرداری به سمت جنگل (جنوب گرگان (خیابانی کشیده شد. این میدان به میدان دیگر منتهی گردید که نام این خیابان و آن میدان کاخ بود. که امروز میدان فلسطین نام دارد. در کاخ سابق اکثر مجموعه های دولتی شکل گرفت. از سمت راست به بالا سینمایی بود که امروزه تغییر کاربری داده و در اختیار نیروی انتظامی است. بعد از ان منزل رئیس شهربانی بود که در کنار اداره نظمیّه (شهربانی) قرار داشت. کنار شهربانی خیابان عریض بن بستی ساخته شد که در انتهای آن کاخ محمد خانی قرار داشت. (این کاخ مربوط به عصر قاجار است (بالاتر آن اداره پست و تلگراف با معماری بسیار زیبا و ستون های بلند جلو اداره قرار داشت که تخریب گردید و امروزه پاساژ شده است. بعد از آن پارک شهر است که کاخ پهلوی در آن قرار دارد و در انتها – سازمان شیر خورشید سرخ بود.

در سمت چپ به بالا بعد از ضلع جنوب غربی هتل میامی، پاساژ شیرنگی و بعد سینمایی بنام مهتاب ساخته شد که کماکان پابرجاست. بعد از آن اداره مالیّه (دارائی) قرار داشت و دارد و بعد از آن دبیرستان تاریخی ایرانشهر ساخته شد.

بعد از آن دو خیابان شکل گرفت که اداره دخانیات را بشکل یک مثلث متساوی الساقین در درون خود قرار داد. انتهای هر دوی این خیابان پادگان ارتش با سردر بسیار بزرگ و چشم اندازی زیبا خود نمائی می کرد.

مقابل درب ارتش میدانچه ای شکل گرفت که مجسمه فخرالدین اسعد گرگانی در وسط آن کار گذاشته شد. دلیل این اسم گذاری وجود ساختن سالن تئاتری بود که سالها برای آن زحمت کشیده و در نهایت سالنی بسیار مطلوب با سیستم های پیشرفته در زمان خود دهه (۴۰ و ۵۰) با نام سالن تئاتر فخرالدین اسعد گرگانی شد.

سابقه تئاتر گرگان ریشه دار بوده و به سالهای ۱۳۰۷ که دبیرستان ایرانشهر ساخته شد باز می گردد. ابهت دبیرستان ایرانشهر آنچنان بود که امروزه بعد از گذشت ۹۰ سال همچنان با شکوه فراوان بر پا و برقرار است.

در آن سالها دبیرستان گستره وسیعی داشت، به همین خاطره در ضلع شرقی آن سالن تئاتری ساخته شد. (به تازگی این سالن ترمیم و بازسازی شده است) که روی برخی از آن ها زنبورهای عسل کتلو ساخته بودند که عسلی طبیعی تولید می کرد.

وسعت دبیرستان آنقدر زیاد بود که امروزه در آن گستره زمین فوتبال – بسکتبال و چند سالن ورزشی دیگر و همچنین اداره آموزش و پرورش ساخته شد. خیابان دیگری از میدان کاخ به سمت غرب میرو که مقابل آن تپه قلعه خندان بود (و همچنین مکانی بنام خواجه خضر) در انتهای خیابان رودخانه ای گذر می کرد که بدلیل گل آلود بودن آب آن به آن سرچشمه می گفتند و بعدها آن منطقه به این نام شناخته شد. در این خیابان زمان پهلوی اول بیمارستانی ساخته شد که بعدها نام آن ۵ آذر

بخش سوم

محلات تاریخی گرگان

مهدی سیف حسینی



گرفت. مقابل دانشگاه اداره کل کشاورزی و منابع طبیعی با وسعت بسیار زیاد ساخته شده بود که هم اکنون همانجا پاسخگوی مراجعین است. در امتداد همین خیابان که آن زمان به خارج شهر میرفت، محله ای شکل گرفت که قزاق ها بعد از انقلاب اکتبر شوروی از آنجا به ایران آمدند و در آنجا ساکن شدند. نام آن محله همان زمان قزاق محله شد.

در دهه چهل خیابان ادامه یافت و زمین های شخص خیری که در مسیر جاده شاهروود بود به فلکه و خیابان ضمیمه شد. این میدان بنام همان شخص فلکه کریمی نام گذاری شد. در جنوب غربی این میدان کارخانه پنبه ای قرار دارد که اکنون متروکه شده است.

کریمی زمین های خود را در خیابانی که از این فلکه به سمت جنوب میرفت قطعه بندی کرد و نام آن منطقه را کوی گلها گذاشت.

خیابان دیگری منشعب از میدان شهرداری بود که به سمت شمال میرفت. در ابتدای خیابان دو خیابانک ۱۵ متری آئین در دو طرف بود که در نیم دایره فلکه قرار گرفته است. در ادامه این خیابان سمت راست به محله میخچه گران است و ۱۰۰ متر جلوتر به محله سرپیر میرسیم. آنطرف خیابان محله بزرگ سبزه مشهد است (که چنار – مصلی – مسجد امام حسن عسگری و سیستمی محله را پیرامون خود دارد و به تازگی زورخانه پوربای ولی در آن ساخته شده است) همچنین باغ مزار محمد رضا لطفی آنجا قرار دارد.

پائین تر از محل سبزه مشهد محله دباغان است (۱) پایان این خیابان فلکه ای ساخته شده که ضلع جنوب شرقی آن گورستان امامزاده عبدالله قرار دارد. این گورستان بسیار قدیمی است و با گسترش آن کماکان مورد استفاده اهالی شهر قرار می گیرد. اگر چه کثرت اموات هنوز اهالی شهر را علاقمند نکرده تا اموات خود را برای تدفین به امامزاده روشن آباد منتقل نمایند. سید حسین میرکاضمی کتابی ارزشمند درباره محله دباغان با همین عنوان تحریر نموده است.

فلکه مازندران بعنوان سر دیگر خیابان جدید و تأسیس ساخته شد که بواقع ورودی شهر در ناحیه غرب به شرق است. در ورودی شهر دو کارخانه پنبه بود و نیز عوارضی اداره مالیّه (دارایی) که عوارض ورودی هر ماشین را با اجناس و کالاهای تجاری که اغلب از بندر گمیشان وارد میشد اخذ می کرد. بالاتر از عوارضی اداره امنیه قرار داشت که بعدها ژاندارمری نام گرفت. این مکان همچنان مورد استفاده نیروهای انتظامی است. پشت اداره امنیه، تپّه قلعه خندان بود که در پائین دست آن امامزاده ای بنام خواجه خضر قرار دارد. آنجا درخت و اطایمی بود که اهالی محل برای زیارت به آنجا میرفتند.

بخود گرفت و همچنین دانشسرای بود که در دوره دوم دبیرستان معلم تربیت می کرد. خیابان ضلع جنوبی میدان کاخ به سمت جنگل میرفت، چون این جاده جنگلی و کوهستانی بود رفت و آمد را در خود مشکل میساخت ؛ وجود رودخانه و آب در این مسیر باعث شده بود تا تعدادی کارخانه شالیکوبی در آن احداث گردد. بعدها که جنگل با تخریب محیط زیست عقب نشست، خیابانی ساخته شد که نام آن را شالیکوبی گذاشتند. از آنجا که مسیر این خیابان رو به طبیعت بود. بعدها یکی از بهترین خیابان های شهر شد. امتداد این خیابان بعد از گذر تپه ها با پیچ و تاب هایی زیاد به روستای قلعه حسن و بعد از آن به ناهارخوران میرسید. و در نهایت برای رسیدن به روستای زیارت که در دامنه های زیبای سلسله جبال البرز قرار داشت می بایست، سوار بر اسب یک روز وقت گذاشت تا از مسیر چهل و چهار آب بنام (چهل چلو) گذشت تا به آن روستای بیلاقی رسید.

امروز جاده رو به جنگل اسفالت مرغوب شده و بلواری وسط خیابان عریض – پل های زیر گذر که در مجموع رفتن به دل طبیعت انگدرد و ناهارخوران را در کوتاهترین زمان ممکن کرده است.

خیابان دیگر از منشعب از میدان شهرداری شاهروود نام داشت (امروزه بنام شهید بهشتی است)، که در ابتدای دو گاراژ مسافربری خودنمایی می کرد، این گاراژها مسافران عازم شرق را (شاهروود – گنبد – مشهد و روستاهای اطراف) خدمات میداد. به فاصله ۱۰۰ متر از میدان در این خیابان سمت چپ اداره عدلیّه (دادگستری) قرار داشت که نمای ساختمان آن با پله های کوتاه و ستون های زیبا کماکان تا امروز جلوه گری و چشم نوازی می کند. ساختمان در دوطبقه با سالن های مناسب و اطاق های بزرگ بعد از گذر سالها همچنان قابل بهره برداری هست. جلوتر از عدلیّه راهی باز شد که خیابان گرگان جدید نام گرفت و روبروی این خیابان (سمت راست) مدرسه ای ابتدائی با نام مدرسه نمونه ساخته شد که بر اساس اصل ۴ ترومن آموزش به سبک غربی می داد. در این مدرسه دانش آموزان مختلف داشت که غالباً برنامه های هنری داشتند. برنامه های هنری غالباً رقص، باله و تئاتر بود که اجرا این برنامه ها در همان سالن تئاتر ایرانشهر صورت می گرفت. بالاتر از این مدرسه اداره برق گرگان قرار داشت، که میتوان گفت آن زمان تقریباً در خارج از شهر به سمت شرق قرار داشت، امروزه این اداره کماکان بر جای خود نشسته است.

در سال ۱۳۳۶ مدرسه ای بنام آموزشگاه عالی جنگل که زمین وسیعی داشت راه اندازی شد.

در سال ۱۳۵۵ این مکان به مدرسه ی عالی منابع طبیعی و در سال ۱۳۵۸ به دانشکده تبدیل شد. سال ۱۳۶۷ به مجتمع دانشگاهی و در سال ۱۳۷۱ نام دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی بخود

مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود. -اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه -بازرس اصلی و علی البدل: خدیجه ممشلی به شماره ملی ۴۸۸۹۸۹۳۴۰۰ بعنوان بازرس اصلی

- سید مسلم نقی پور به شماره ملی ۵۲۰۹۹۸۳۵۱ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.

رونوشت به: اداره تعاون بازرگشت به شماره ۲۷/۰۹/۹۷/۳۳۳/ص مورخ ۲۱/۳/۹۷ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان- مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مینودشت- شناسه آگهی ۶۳۸۹۳۴

تاسیس شرکت تعاونی دامداران کهن حامی طبیعت قرق

در تاریخ ۱۲/۰۹/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۱۲۸۱۳ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۹۸۱۹۱۶ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع: فعالیت در زمینه دام اعم از سبک و سنگین و کلیه امور مرتبط به استناد مجوز شماره ۱۲۸۰۶۷/۱ تاریخ مجوز ۲۸/۰۷/۱۳۹۶ مدیر جهاد کشاورزی شهرستان گرگان مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: گلستان-گرگان-بهاران-قرق-روستا قرق-کوچه فردوس ۲۲- کوچه منتظری ۱-پلاک ۰-طبقه همکف- کدپستی ۴۹۳۷۱۳۵۶۱۹ سرمایه شخصیت حقوقی ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال منقسم به ۳۰۰ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی که نقدا طی گواهی شماره ۵۷۳/۳۱۱۲ مورخ ۲۶/۰۸/۱۳۹۷ بانک تعاون شعبه شهید بهشتی پرداخت گردید. اولین مدیران: آقای حسین لکزائی به شماره ملی ۲۰۰۳۰۹۴۸۰۱۲ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال آقای حسین دلیر به شماره ملی ۲۲۶۹۲۰۳۳۴۱ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال آقای یونس صفرخانی موزنی به شماره ملی ۲۲۶۹۷۲۱۶۷۵ و به سمت مدیرعامل به مدت ۳ سال آقای حمیدرضا ذنکوب به شماره ملی ۲۲۶۹۷۶۹۶۲۷ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال آقای مهدی ده مرده به شماره ملی ۲۲۶۹۸۲۸۲۳۳ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال دارندگان حق امضا: کلیه قراردادهای اسناد رسمی و تعهد آور بانکی با امضای مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و در غیاب

وی با امضای نائب رئیس و مهر شرکت دارای اعتبار است و اسناد عادی با امضای مدیر عامل و مهر شرکت معتبر میباشد. آقای مومن نوریان به شماره ملی ۳۶۷۲۸۳۳۳۴۰۰ به سمت بازرس اصلی و آقای غلامرضا اکبرزاده به شماره ملی ۲۲۶۹۱۹۶۱۶۳ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه رونوشت: به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان گرگان بازرگشت به نامه شماره۲۸۱۴ مورخ ۰۷/۰۹/۱۳۹۷ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان -اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان-شناسه آگهی ۶۳۸۹۳۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششادنگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است دارای پلاک ۲۱۴۱ فرعی از ۸۹ – اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی خرگوش تپه به مساحت ۵۲۷۴۹/۸۰ متر مربع ملکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۰۸/۲۷/۱۳۹۷ در محل وقوع ملک واقع در گرگان – خیابان دانشگاه آزاد – مجتمع دانشگاه آزاد گرگان – کد پستی ۴۹۱۴۷۳۹۹۷۵ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتقاقی حق برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک فوق الذکر به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدر سند مالکیت خواهد نمود.

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – علی برقی م – الف ۳۳۵۱

آگهی های ثبتی

تاسیس شرکت تعاونی بهشت قلعه چه گلستان

در تاریخ ۲۳/۰۳/۱۳۹۷ به شماره ثبت ۲۱۳۵ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۶۵۰۸۶۸ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. - موضوع شرکت: ۱-ارائه کلیه خدمات گردشگری، تفریحی و سیاحتی ۲- انجام کلیه خدمات مرتبط با صنعت ایرانگردی و صنایع دستی و گردشگری ۳- تنظیم مسافرت گروهی ۴- احداث، ایجاد، توسعه، تجهیز، راه اندازی و بهره برداری مراکز اقامتی و توریستی و صنایع دستی ۵- ایجاد اقامتگاه تفریحی و گردشگری به استناد مجوز شماره ۱۵۹/۱۰/۱۴۰/۹۷۲ مورخ ۲۲/۲/۹۷ اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مینودشت (ثبت موضوع فعالیت مذکور بمنزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمیشد) -مدت شرکت: از تاریخ ثبت بمدت نامحدود -مرکز اصلی شرکت: استان گلستان - شهرستان مینودشت - بخش مرکزی - شهر مینو دشت -شهرک رزمندگان-خیابان رضوان بن بست رضوان ۴-پلاک ۰-طبقه همکف- کد پستی ۴۹۸۱۶۹۷۹۳۹ -سرمایه اولیه شرکت: مبلغ یکصد میلیون ریال منقسم به ۱۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰۰ سهم آن با نام می باشد که مبلغ یکصد میلیون ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۷۶/۳۱۰۴ مورخ ۵/۳/۹۷ نزد بانک توسعه تعاون شعبه مینودشت پرداخت گردیده است. -اولین مدیران شرکت: ۱. منصوره پسرکلو به سمت رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۴۸۸۹۵۰۱۳۷۱ ۲. سید سعید نقی پور به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۵۲۰۹۶۴۳۳۸۷ ۳. سید روح اله قاضوی دوزین به سمت منشی هیئت مدیره به شماره ملی ۴۸۸۹۷۵۱۱۴۹ ۴. سید هادی قاضوی دوزین به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به شماره ملی ۵۲۰۹۹۲۸۹۲۶ ۵. سید سعید نقی پور به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به شماره ملی ۵۵۸۰۰۲۰۰۶۵ به مدت سه سال انتخاب گردیدند. -دارندگان حق امضا: کلیه قراردادهای اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضاء ثابت آقای سید هادی قاضوی دوزین مدیر عامل و خانم منصوره پسرکلو رئیس هیئت مدیره و مهر شرکت دارای اعتبار است. و در غیاب خانم منصوره پسرکلو رئیس هیئت مدیره، آقای سید عیسی نقی پور نائب رئیس هیئت مدیره حق امضاء خواهد داشت. و اوراق عادی و نامه ها با امضای آقای سید هادی قاضوی دوزین



چهره

کلنل علینقی خان وزیری



علی بابزیدی: کلنل علینقی خان وزیری فرزند بی بی خانم استرآبادی (۱۲۷۴ه.ق-۱۳۰۰ه.ش) مشهورترین بانوی فرهنگی و هنجارشکن عصر قاجار و مؤسس اولین مدرسه دخترانه در دوره ناصرالدین شاه، در ۱۷ مهر ۱۲۶۶ در تهران به دنیا آمد، پدرش موسی خان وزیری افسر قزاقخانه شاهنشاهی بود. او از ۱۴ سالگی با موسیقی آشنا شد و نزد دایی دکترش حسینعلی خان مقدمات نواختن تار را آموخت. در میان افسران دسته موزیک

از سلیمان خان ارمنی موزیک نظام درس گرفت و با مطیع الدوله حجازی دوستش -که مشق ویولن می کرد- شاگرد کشیشی شدند که معلم مدرسه سن لویی بود و به آنان موسیقی علمی مغرب زمین و ارگ می آموخت، وی در تمرین تار آنقدر افراط می کرد که به قول مادرش شام و ناهار نداشت. خود را در صندوقخانه منزل حبس می کرد و در تاریکی ساز می زد تا انگشتانش به جای پرده ها عادت کند.

کلنل به وسیله مصطفی قلی بیات که تمام هزینه ی اقامت چند ساله اش در اروپا را تقبل نمود، به فرانسه مسافرت کرد و مدت سه سال در آموزشگاه عالی موسیقی به تحصیل علم هماهنگی و آواز مشغول گردید و در خارج از مدرسه هم در رشته های مختلف موسیقی مطالعاتی کرد و سپس به آلمان رفت و بیش از یک سال در هنرستان موسیقی برلن (هوقشول) در کلاس هاس مختلف حاضر شد، چون منظور وزیری این بود که به محض بازگشت به ایران آموزشی تاسیس کند و در ایران هم متخصصی وجود نداشت پس از ورود به ایران مدرسه موسیقی را در اسفند ۱۳۰۲ تاسیس کرد و در سال ۱۳۰۳ کلوپ موزیکال را تأسیس کرد که در این کلوپ هفته ای یکبار با شاگردان خود کنسرت می داد. وی در سال ۱۳۰۴ اقدام به برگزاری سلسله کنسرت ها و سخنرانی هایی در زمینه هنر و زیباشناسی موسیقی کرد. مجموعه ی این سخنرانی ها توسط سعید نفیسی جمع آوری و چاپ شد. او تا آغاز جنگ جهانی دوم در مقام ریاست مدرسه عالی موسیقی انجام وظیفه کرد و سپس از کار کنار گذاشته شد. وی

در این دوران به تألیف کتاب هایی در زمینه های مختلف موسیقی پرداخت و مدتی نیز به عنوان استاد ممتاز، در دانشگاه تهران زیباشناسی هنر را تدریس کرد. وزیری پس از شهریور ۱۳۲۰ به ریاست اداره موسیقی کشور و مجله موسیقی و اداره رادیو مشغول شد اما چون با کارشکنی ها مواجه شد به دانشگاه برگشت و تا پایان زندگی به تدریس پرداخت. وی شاگردانی را تربیت کرد که هریک از آنها در موسیقی ایران نامدار گشتند، که از میان آنها می توان از: استاد ابوالحسن صبا، روح اله خالقی، موسی معروفی، حسینعلی ملاح و فروتن نام برد. به خاطر سابقه کار نظامی خود بیشتر به «کلنل» معروف بود. ایرج میرزا در وصف او در منظومه زهره و منوچهر از زبان زهره گفته است:

من کلنل را کلنل کرده ام

پنجه او رهن دل کرده ام

نام مجازیش علی النقی است

نام حقیقیش ابوالموسیقی است

آخرین مقام دولتی وزیری ریاست شورای عالی موسیقی رادیو در سال ۱۳۴۲ بود و در سال ۱۳۴۴ از خدمات دانشگاهی نیز بازنشسته شد. علینقی وزیری در سرانجام در بامداد روز یکشنبه هفدهم شهریورماه ۱۳۵۸ در ۹۲ سالگی در بیمارستان جم تهران چشم از جهان بست و در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد.

آثار مکتوب: دستور تار و سه تار (دو جلد)، دستور ویولون (۲ ج)، موسیقی نظری (۳ بخش)، در عالم موسیقی و صنعت (مجموعه خطابه ها)، تاریخ عمومی

آمار دقیقی از اسلحه های غیر مجاز در گلستان وجود ندارد

و مصارف جنگی برخوردار نبود. پیش از این اعلام شده بود که تا ۵۰ هزار اسلحه اعم از مجاز، غیرمجاز، شکاری و جنگی در دست مردم گلستان است که در مجموع نزدیک به ۱.۹ میلیون نفر جمعیت دارد.

آن خیال مردم را آسوده خواهیم کرد. وی به کشف سلاح توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) در گلستان اشاره کرد و گفت: هرچند حجم سلاح های کشف شده به نسبت زیاد بود اما عمده آن کاربرد شکاری داشته و از پایه امنیتی

نمی شود. سرتیپ دوم ستاد روح الامین قاسمی اظهار داشت: تعداد سلاح های غیرمجاز را هیچ نهاد و دستگاهی نمی تواند اعلام کند و اگر آمار دقیق و مشخصی از تعداد و پراکندگی آن ها وجود داشته باشد با جمع آوری کامل

فرمانده انتظامی گلستان گفت: آمار دقیقی از تعداد اسلحه های غیرمجاز در این استان وجود ندارد و بررسی ها نشان می دهد بسیاری از سلاح های موجود در سطح منطقه شکاری بوده و خطر چندانسی برای امنیت پایدار محسوب

بوده و به موفقیت های چشمگیری دست یافته بر این اساس اکثر استان های کشور در این پروسه جهت آموزش و فراگیری از تجربه های این استان روانه ی گلستان شده بودند که جای بسی خوش اقبالی ست. پیداست توسعه ی این حرکت به خودی خود، راه پیشگرایانه را در این مسیر پر رنگ ترمی سازد. بی شک فعالیت کانون داوران در این عرصه از سویی دارای هزینه ای کمتر، سرعت بیشتر، دقت بالا و با آرامش مثال زدنی خواهد بود. از سوی دیگر رأی داوران مانند قاضی لازم الاجرامی گردد در این راستا سیستم قضایی کشور می تواند در تعامل با داوران ریشه بسیاری از اختلافات را حل و فصل نماید. گذشته از اینها برانزده ی کشور ما نیست که با سابقه ی تاریخی ارزش های پاک اجتماعی مان، دارا بودن نماد های اسلامی و برخورداری از الگوهای ملی خود با بیش از هشتاد میلیون نفر جمعیت چندین میلیون پرونده ی قضایی داشته باشیم. به هر روی با این رویکرد می توان چنین نتیجه گرفت حال که رسیدگی به پرونده های دادرسی از آغاز تا به انتها به سی مرحله می انجامد و کانون داوران می تواند به پنج مرحله کاهش دهد پس بهتر است از این مجموعه مردم نهاد و مستقل بیش از پیش حمایت شود تا آنچه زینده ی جامعه ما که همانا عزت و سربلندی هر ایرانی ست بدان دست یابیم. سرانجام اینکه باید از ظرفیت و نیروی مردمی، معتمدترین و شوری شهر و روستا در کانا لیزه کردن این امر بهره جست تا این کانون در سامان بخشی چالش های احتمالی سیاست و جامعه، موفق تر عمل نماید. این یعنی دغدغه های دولت در این امور کاهش می یابد و هزینه های آن صرف سازندگی در اجتماع، اقتصاد و فرهنگ خواهد شد. آنگاه دولت به جایگاه و پایگاه اصلی خود که نظارت، هدایت و حمایت در امور اجرایی ست باز خواهد گشت.

■ نویسنده و روزنامه نگار

تزايد می باشد که شاید بخشی از آن به مکانیزم و روند اجرایی جریانات قضایی بر می گردد. با این اوصاف، کانون داوران ایران همانند کانون هنرمندان، نویسندگان یا روزنامه نگاران و ... به تناسب نویاست. این کانون که مردم نهاد است، خوشبختانه برای اولین بار کمتر از یک دهه پیش در ایران آنهم در استان گلستان تشکیل شد. گرچه این تشکیلات ساختاری ساده دارد ولی به نظر می رسد با تلاش متولیان آن می توان به عنوان یکی از بازوهای اجرایی در نظام حقوقی و قضایی امیدوار شد. به طوری که افراد آن نه تنها از تحصیل کردگان هستند، که از صاحبان اندیشه در این عرصه به شمار می آیند. زیرا با تعاملی که در این ارتباط با مردم و دستگاه قضایی دارند، بسیار می توانند در کاهش پرونده های حقوقی و کیفری نقش بسزایی را ایفاء کنند. چنانچه مشابه چنین حرکتی را ما در کشورهایی چون هند و چین که تجربه های موافقی داشته اند مشاهده می کنیم. کشورهایی که نام برده شد هر یک با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و چند صد میلیون نفر با همین سیاست یکی از کم ترافیک ترین دادرسی های قضای را در جهان دارا می باشند. چرا که توانسته اند با مدیریت قضایی، مکانیزمی نو و مردمی، پرونده های چند ده میلیونی خود را به ترتیب به هشتصد تا و پانصد هزار تقلیل دهند که ما حاصل کار سازمان یافته کانون داوران شان می باشد حال در این رهگذر برخی از کشورهای صاحب نامی چون آلمان و سوئد که در این راه از دستاوردهای توفیق برانگیزشان دست بردارند بماند. روی همین اصل می توان افزود که شناخت بیشتر مردم به این نهاد و حمایت قاطع دولت می تواند موجب ارتقاء و کار آمدی سطح کیفی و کمی این مجموعه شود تا نه تنها از حجم پرونده های دادرسی کاسته شود بلکه نارضایتی عمومی نیز کمتر خواهد شد. مهمتر اینکه سبب اطلاع وقت در دادرسی هم نمی گردد. بنابراین از آنجایی که استان گلستان در این مسیر ناهموار پایه گذار این کانون

امر قضا و قضایای آن



فرزاد اللهیاری

از دیرباز در جوامع بشری نقش قضاوت و داوری همواره مورد عنایت دلتمردان و مردم بوده است که با گذشت زمان و با توجه رشد فراینده ی جمعیت انسانی و گسترش مدنیت، این مسأله بیش از گذشته نمود پیدا کرد. چه بسا در بسیاری از کشورها بخاطر کلیدی بودن این مسئولیت و با الهام از ساختار پیر گرفته از سنت و مدرنیسم، این امر به سازمانی نظام مند و تحول آفرین و حتما مستقل تبدیل شد. چنانچه در مهم بودن آن همین بس که مکتب اسلام و قرآن مجید و در احکام و روایات عقلی و نقلی خود بدان پرداخته که نمونه اش را می توان در سوره های نساء و لقمان مشاهده نمود.

با این مقدمه گفتنی ست در جامعه ی ما با آنکه از سوی دولت و نهاد های قضایی و مراجع قانونی و حقوقی در جهت کاهش جرایم تلاش های بسیار صورت گرفته، اما متأسفانه آمار نشان از چیز دیگری می دهد. گویی حلقه ای مفقوده وجود دارد. چرا که هر ساله جرایم روبه

یادداشت

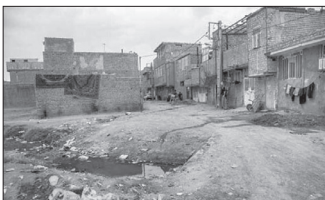
فراهم شدن شرایط واگذاری زمین در شهرک های صنعتی گرگان



فرماندار گرگان خواستار بازنگری در زمین های واگذار شده در شهرک های صنعتی این شهرستان، به سرمایه گذارانی که هیچ اقدامی نسبت به ساخت نکرده اند، شد. محمد حمیدی در بازدید از شهرک صنعتی گرگان ۱، اظهار کرد: باتوجه به کمبود زمین جهت واگذاری به متقاضیان به سرمایه گذاری در واحدهای تولیدی و صنعتی در شهرک های صنعتی و تعیین تکلیف زمین های واگذار شده به سرمایه گذارانی که در سنوات گذشته تعهدات خود را برای ساخت انجام نداده اند، ضروری است شرکت شهرک های صنعتی استان نسبت به بازنگری این واگذاری ها اقدام کند و در جلسه رونق تولید شهرستان جهت واگذاری زمین ها به سرمایه گذاران جدید تصمیم گیری شود. وی در جریان این بازدید با اشاره به اهمیت سرمایه گذاری و اشتغالزایی، خواستار رفع موانع واحدهای تولیدی و صنعتی بخصوص رفع موانع اداری آنها شد. فرماندار گرگان تاکید کرد: فعالیت هرچه بیشتر واحدهای تولیدی در شهرک های صنعتی، شکوفایی اقتصادی در راستای تحقق شعار سال را به همراه دارد. حمیدی گفت: اولویت اصلی مجموعه مدیریت شهرستان، حمایت همه جانبه از بخش تولید و اشتغال بوده و برای کمک به تلاشگران عرصه تولید، از هر گونه کمکی دریغ نخواهیم کرد.

خبر

طرح شهید شوشتری در پنج محله آسیب پذیر گنبد کاووس در حال اجرا است



فرماندار ویژه گنبد کاووس از اجرای طرح موسوم به شهید شوشتری که باهدف محرومیت زدایی در مناطق محروم از چند سال پیش در سراسر کشور و این شهرستان آغاز شده، گفت: پنج محله محروم و آسیب پذیر گنبد کاووس مشمول اجرای این طرح در سال جاری هستند. عبدالقادر کریمی روز سه شنبه در هفتمین جلسه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گنبد کاووس اظهار داشت که طرح شهید شوشتری در چند سال گذشته فقط در سه محله (اسلام آباد، مدرسی و «سیدآباد و بدلجه») اجرا شده بود اما امسال دو نقطه دیگر شامل گندم آباد و چای بوبین نیز به آن اضافه شده است. وی با قدردانی از تلاش ها و خدمات ارائه شده توسط ادارات و نهادها در راستای طرح شهید شوشتری در گنبد کاووس اضافه کرد: این طرح با دو رویکرد فعالیت های عمرانی با هدف محرومیت زدایی و نیز اقدامات فرهنگی، آموزشی، پیشگیرانه و مقابله ای با هدف کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی در حال اجرا است.

کریمی با تاکید بر ضرورت تدوین برنامه های قابل اجرا مانند جشنواره های فرهنگی و ورزشی در شش ماهه دوم امسال از سوی دبیرخانه طرح شهید شوشتری و ابلاغ آن به ادارات و نهادهای گنبد کاووس، گفت: برنامه های ابلاغی باید توسط دستگاه های اجرایی عملیاتی شود و حتی مقوله انتخابات نیز نباید ما را از اجرای برنامه ها باز دارد.

موتور سیکلت پای ثابت مرگ و میر جاده های گلستان

بسیاری از موتور سیکلت سواران برای تردد در جاده های گلستان از کلاه ایمنی استفاده نمی کنند



ایرنا - مرگ و میر موتور سواران، داغ همیشه تازه مردم استان گلستان است، مصیبتی که در نتیجه رعایت نکردن نکات ایمنی توسط راکبان این وسیله نقلیه رخ می دهد و آن ها را به پای همیشه ثابت تصادفات جاده ای گلستان تبدیل کرده است. روزی نیست که در جاده های گلستان خبر منجر به فوت و مصدومیت شدید موتور سواران به گوش نرسد اما با وجود نشانه های پنهان و پیدای استفاده نادرست از این وسیله نقلیه باز هم آنان از رعایت حداقل های ایمنی مانند استفاده همیشگی از کلاه ایمنی پرهیز می کنند. موتور سواران در صدر مرگ و میر جاده های گلستان قرار دارند و بی توجه به ضرورت رعایت نکات ایمنی، با انجام حرکات خطر آفرین و نمایشی و راندن با سرعت زیاد، جان می دهند اما تن به استفاده از وسایل ایمنی مانند کلاه نمی سپارند.

بسیاری از موتور سیکلت سواران برای تردد در جاده های گلستان از کلاه ایمنی استفاده نمی کنند یا آن ها برای سریع رسیدن به مقصد خود به ویژه در جاده های اصلی یا در خیابان های شهری، در خلاف مسیر خود تردد می کنند و سر زدن چنین مخاطرات رانندگی، خسارات وارده برای سوی موتور سواران را تا حد زیادی افزایش می دهد. فرمانده انتظامی گلستان از جمله کسانی است که از بالا بودن آمار فوتی های ناشی از استفاده نادرست از موتور سیکلت در استان گلایه دارد و می گوید: طبق آمار پلیس استان در ۶ ماه نخست امسال ۴۰ درصد از حوادث سوانح رانندگی رخ داده به تعداد ۱۶ هزار و ۱۶۱ تصادف از سوی موتور سواران بود.

سرتیپ دوم ستاد روح الامین قاسمی افزود: استفاده نکردن از کلاه ایمنی عامل اصلی مرگ یا تصادف شدید موتور سواران گلستان است. فرمانده انتظامی گلستان با اشاره به اهمیت کلاه ایمنی در حفظ جان موتور سواران گفت: استفاده از کلاه ایمنی از سوی راکبان موتور سیکلت در جاده های استان بسیار کم و ناچیز است.

براساس گزارش پلیس راه گلستان، در ۶ ماه نخست امسال ۱۶۳ نفر در جاده ها و ۳۷ نفر در شهرهای گلستان بر اثر بروز سوانح رانندگی جان باختند. فرمانده انتظامی گلستان با اشاره به تهدید موتور سواران در جاده

در کاهش سوانح رانندگی با این وسیله در استان موثر است. معاون حمل و نقل اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان هم معتقد است: دستگاه های استان برای فرهنگ سازی در استفاده صحیح از موتور سیکلت به صورت جزیره ای عمل می کنند و برنامه هماهنگی برای گسترش هم افزایی در این زمینه ندارند.

ایوب میرشاهی اظهار داشت: علاوه بر مشارکت همه دستگاه ها، باید از ظرفیت بزرگان، ائمه جمعه و امامان جماعت مساجد برای فرهنگ سازی استفاده صحیح از موتور سیکلت بهره برد. وی به فعالیت های این اداره کل در پیشگیری از حوادث رانندگی موتور سیکلت در استان اشاره کرد و گفت: ایمن سازی جاده ها با نصب کنترل سرعت، چراغ چشمک زن، آشکارسازی نقاط حادثه خیز، توزیع بسته های فرهنگی میان دانش آموزان به ویژه مدارس مستقر در حاشیه جاده ها، ارایه خدمات رایگان تعمیر کار برای تعویض لامپ موتور سیکلت دارای نقص در حاشیه همایش ها و توزیع کلاه ایمنی رایگان میان موتور سواران، از جمله این فعالیت ها است.

به گفته وی سال گذشته ۳ هزار کلاه ایمنی رایگان میان موتور سواران استان توزیع شد اما استقبال موتور سواران در استفاده از این وسیله ایمنی بسیار کم است.

برای حل این معضل رانندگی موتور سیکلت ها در جاده های گلستان، ایجاد مراکز آموزش رانندگی موتور سیکلت، کاهش سرعت موتور سیکلت به ۶۰ کیلومتر از سوی سازندگان، ممنوع شدن رانندگی و حتی فروش موتور سیکلت به افراد بدون گواهینامه، استفاده از ظرفیت رسانه ها در فرهنگ سازی، ممنوع کردن تردد موتور سیکلت فاقد پلاک، فرهنگ سازی استفاده از کلاه و دیگر تجهیزات ایمنی، ممنوع کردن ورود و تردد موتور سیکلت های دارای نقص فنی از جمله چراغ در خیابان و جاده ها و برخورد قاطع پلیس با متخلفان موتور سوار از جمله مواردی است که کارشناسان مرتبط بر انجام آن تاکید دارند. گلستان با یک میلیون و ۸۶۹ هزار نفر جمعیت، ۳۳ نقطه شهری و بیش از یک هزار روستا را در خود جای داده که ساکنان آن برای تردد از پنج هزار و ۳۰۰ کیلومتر راه ارتباطی آسفالت استفاده می کنند.

های استان، بر سرمایه گذاری بیشتر در حوزه فرهنگ سازی برای رعایت نمودن مقررات رانندگی تاکید کرد. وی اضافه کرد: سرمایه گذاری در حوزه پیشگیری در استانی که آمار استفاده کنندگان موتور سیکلت در آن بسیار است، باید در اولویت قرار گیرد. سردار قاسمی گفت: در سه سال اخیر موتور سواران گلستان ۲۸ هزار و ۵۰۰ کلاه ایمنی رایگان دریافت کردند ولی اثر مثبتی از این اقدام در جاده ها دیده نشد و آنان رغبتی به استفاده از این وسیله ایمنی ندارند. رئیس اداره عملیات پلیس راهور گلستان هم نزدیکی شهرها و روستاها به یکدیگر و فعالیت فراوان مردم در زمین های کشاورزی را از جمله دلایل اصلی روی آوردن مردم استان به استفاده از موتور سیکلت اعلام کرد. سرهنگ محمد طیبی افزود: با توجه به آمار بالای تصادف موتور سیکلت در جاده های استان، سرمایه گذاری در حوزه پیشگیری از جمله ایجاد پیست موتور سواری در حاشیه شهرها برای تخلیه هیجان جوانان

مسلمانان کشورهای مختلف "لیک یا حسین" را فراگیر کنند و چه مصمم اند عشاق حسین (ع) در این راه دراز و دشوار تصویر دوم: عده ای از بانوان ایرانی "برای اولین بار" توانستند وارد ورزشگاه آزادی شوند و بازی تیم ملی فوتبال کشورمان با تیم کامبوج را از نزدیک ببینند و در طول سالهای گذشته چه انتظاری کشیدند تا دروازه ورزشگاه آزادی به روی بانوان گشوده شود و چه اندوهی نه فقط بر بانوان "بلکه برای همه ایرانیان" گذشت وقتی که دختر آبی، سحر خدایاری، خانم فوتبال دوست خودسوزی کرد. تفسیر روزنامه کیهان: روزنامه کیهان با انتشار عکسی از بانوان ایرانی که راهی کربلا هستند و قیاس آنها با بانوانی که راهی ورزشگاه آزادی هستند، گروه اول را راهیان آزادی می نامد و گروه دوم را قربانیان آزادی. واقعا چه تفاوتی بین بانوان راهی کربلا و بانوان راهی ورزشگاه آزادی وجود دارد؟

و چرا روزنامه کیهان با قراردادن این دو تصویر در کنار هم تلاش می کند از حرکت بانوان کربلایی تمجید کند

و بانوان فوتبال دوست را ناهنجار جلوه دهد؟ اگر به احزاب سیاسی و گروه های فکری جهت دهنده در چند دهه اخیر دقت کنیم، مجموعه کیهان، گروهی است که توانسته با سازمان فکری ایدئولوژی محور بخشی از اقشار جامعه را به سمت خود جذب کند و به نظر می رسد تفکرات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مجموعه کیهان در دل برخی از شهروندان ایرانی چنان رخنه کرده که مطالعه هر روز کیهان جزو برنامه اصلی این افراد باشد. از نوع یادداشت ها و نوع نگارش که مجموعه کیهان به موضوعات داخلی و بین المللی دارد به نظر می رسد، کیهان چارچوب های فکری غیر قابل تغییری برای مجموعه خود تعریف کرده با تصور اینکه رستگاری و آینده روشن "کیهان و همه" در گرو عمل به همین دستورات است. آموزه های دین را آنگونه که می فهمد "به دیگران تحمیل" می کند. موضوعات سیاسی و داخلی را آنطور که تفسیر می کند "حقیقت محض" جلوه می دهد و حوادث و مناقشات بین المللی

ایران برای همه ایرانیان



شکورزیرک

-تصویر اول: طبق روال سالهای گذشته عده ای از بانوان ایرانی در مراسم پیاده روی اربعین شرکت کردند تا ارادت خود را به سالار شهیدان ابراز نمایند و همنا بادیگر

را در فضای کوچک و تاریکی تحلیلی می کند و ان را به عنوان نقشه راه و منافع ملی معرفی می کند. اما کار مجموعه کیهان با این مراحل خاتمه پیدا نمی کند بلکه پس از اعلام رسمی "مرامنه سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی" مجموعه کیهان، تفکیک مردم را آغاز می کند. "دوقطبی در جامعه" هم از همین رویکرد شکل می گیرد، البته منظور این نیست که منشا همه دوقطبی ها کیهان است، اینجاست که باید پرسید چرا مجموعه کیهان بین بانوان راهی کربلا و علاقه مندان فوتبال "دیوار می کشد" که "بیگانه از هم باشند" و نه هموطن "با افکار مختلف؟ آیا انتشار عکس این دو گروه از بانوان ایرانی و به کاربردن لفظ راهیان آزادی برای بانوان کربلایی و استفاده از لفظ قربانیان آزادی برای بانوان فوتبال دوست، مفهومی غیر از جداسازی دو گروه هموطن را به ذهن متبادر می کند؟

■ کارشناس ارشد علوم سیاسی